

Establishment mission-oriented method in the design of the optimal banking system

Ahmad Ali Yousefi 

Member of the academic faculty of the Research Institute of Islamic Culture and Thought.
Email: economy.islamic@gmail.com

Hamid Khorshidi 

Scholar of the fourth level of economic jurisprudence.
Email: hamid313kh@gmail.com

Mostafa Abdollahi

Scholar of the fourth level of economic jurisprudence.
Email: mosi.abdollahi@gmail.com



Use your device to scan and read the article online

Citation Ahmad Ali Yousefi, Hamid Khorshidi, Mostafa Abdollahi [Establishment mission-oriented method in the design of the optimal banking system (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (95): 5-42

 [10.22034/iec.2024.2005714.2646](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2005714.2646)

Received: 25 June 2024 , Accepted: 30 September 2024

Abstract

The design of each component of the economic system of Islam, such as the monetary institution, in such a way that it can be attributed to the economic system of Islam, requires an acceptable method and must be done in accordance with the standards of jurisprudence. The function of each component of the Islamic economic system must be in line with the goals of the Islamic economic system. This will be achieved when the components of the economic system are designed and operational within the framework of the missions adopted by the Islamic economic system. Achieving this requires a suitable method. For this reason, this method is named as "establishment mission-oriented method". Therefore, this research answers the question "What is the mission-oriented method of establishing an Islamic financial institution and what are the characteristics of the financial institution designed in this way?" It will come to the conclusion that the mission-oriented method of establishment is to discover the mission of the Islamic economic system, and design a monetary institution based on those missions. The financial institution designed in this way is fundamentally different from existing banks and includes a triangular structure that separates monetary, investment and charitable services. In this triangular structure, prior control of money creation takes place, and when necessary, the central monetary institution has the right to create money as much as necessary. The monetary services side is in charge of circulation and monetary services in the society. The flow of money circulation in such a triangular structure happens in such a way that the money serves the real sector of the economy and economic benefits are created in the real sector of the economy for economic actors. If we understand the main function and nature of the bank in the money creation economy and claim that the bank loses its banking nature without money creation, then in the Islamic economic system, there is no bank in the common sense, that is why in this article, the term monetary institution is used.

Keywords

Islamic economic system, bank, monetary institution, components of Islamic economic system, establishment mission-oriented method, signature method.

Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



روش مأموریت‌محور تأسیسی در طراحی نظام بانکی^۱ مطلوب

احمد علی یوسفی^{ID}

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Email: economy.islamic@gmail.com

حمید خورشیدی^{ID}

دانش پژوه سطح چهار فقه اقتصادی

Email: hamid313kh@gmail.com

مصطفی عبدللهی

دانش پژوه سطح چهار فقه اقتصادی

Email: mosi.abdollahi@gmail.com



Citation Ahmad Ali Yousefi, Hamid Khorshidi, Mostafa Abdollahi [Establishment mission-oriented method in the design of the optimal banking system (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (95): 5-42

[10.22034/icc.2024.2005714.2646](https://doi.org/10.22034/icc.2024.2005714.2646)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

چکیده

طراحی هر جزء از اجزای نظام اقتصادی اسلام، مانند نهاد پولی، به گونه‌ای که بتوان آن را به نظام اقتصادی اسلام منتسب نمود، نیازمند روشی قابل قبول است و باید مطابق با موازین فقهی استنباط صورت گیرد. کارکرد هر یک از اجزای نظام اقتصادی اسلام باید در راستای اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد. این امر زمانی محقق می‌شود که اجزای نظام اقتصادی در چارچوب مأموریت‌های برگرفته از نظام اقتصادی اسلام طراحی و عملیاتی شود. تحقق این امر نیازمند روشی مطلوب است. به همین جهت این روش به عنوان «روش مأموریت‌محور تأسیسی» نام‌گذاری می‌شود؛ بنابراین این تحقیق با پاسخ به پرسش «روش مأموریت‌محور تأسیسی در ایجاد مؤسسه پولی اسلامی چیست و نهاد پولی طراحی شده در این روش چه ویژگی‌هایی دارد؟» به این نتیجه خواهد رسید که روش مأموریت‌محور تأسیسی، کشف مأموریت از نظام اقتصادی اسلام و طراحی مؤسسه پولی بر اساس آن مأموریت‌هاست.

۱. استفاده از واژه «بانک» برای مؤسسه پولی در نظام اقتصادی اسلام از باب تسامح و همراهی با ادبیات موجود در بانکداری است؛ چون وقتی مأموریت اصلی بانک، خلق پول و تجهیز و تخصیص سپرده با مقداری مازاد هنگام عودت از سپرده‌پذیران به سپرده‌گذاران باشد، اساس چنین ساختاری از منظر اسلام غیرقابل قبول است؛ بنابراین باید واژه مناسبی با توجه به ساختار و مأموریت اصلی مؤسسه پولی در نظام اقتصادی اسلام برای آن انتخاب نمود. مأموریت چنین نهادی در نظام اقتصادی اسلام به گردش درآوردن پول به گونه‌ای است که این پدیده در خدمت بخش واقعی اقتصاد قرار گیرد و در نتیجه زمینه رشد اقتصادی و توزیع عادلانه منافع اقتصادی را فراهم نماید. به نظر می‌رسد مؤسسه پولی واژه مناسبی برای این نوع مأموریت و کارکرد باشد. به جهت مطلب بیان‌شده در متن مقاله واژه مؤسسه پولی به جای بانک استفاده می‌شود.

Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



مؤسسه پولی طراحی شده در این روش، تفاوت ماهوی با بانک‌های موجود دارد و مشتمل بر یک ساختار سه‌ضلعی تفکیکی خدمات پولی، تخصصی سرمایه‌گذاری و خیرخواهانه است. در این ساختار سه‌ضلعی کنترل پیشینی خلق پول صورت می‌گیرد و در مواقع ضروری، مؤسسه پولی مرکزی حق دارد به مقدار رفع ضرورت اقدام به خلق پول کند. ضلع خدمات پولی، جریان گردش و خدمات پولی در جامعه را بر عهده دارد. جریان گردش پول در چنین ساختار سه‌ضلعی به گونه‌ای اتفاق می‌افتد که پول در خدمت بخش واقعی اقتصاد قرار می‌گیرد و منافع اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد برای فعالان اقتصادی ایجاد می‌شود. اگر کارکرد و ماهیت اصلی بانک در اقتصاد، خلق پول دانسته شود و ادعا گردد که بانک بدون خلق پول، ماهیت بانکی خود را از دست می‌دهد، در نظام اقتصادی اسلام بانک به مفهوم متداول وجود ندارد، به همین جهت در این نوشتار، واژه مؤسسه پولی به کار گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی

نظام اقتصادی اسلام، بانک، مؤسسه پولی، اجزای نظام اقتصادی اسلام، روش مأموریت‌محور تأسیسی، روش امضا.

مقدمه

روش تأسیس هر نهاد نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای که یکی از اجزای نظام اقتصادی اسلام محسوب گردد، از مهم‌ترین مؤلفه‌های دستیابی به آن نهاد است. بر همین اساس، روش تأسیس نهاد پولی در نظام اقتصادی اسلام باید مبتنی بر روشی باشد تا بر اساس آن وقتی این نهاد ایجاد می‌شود، بتوان آن را منتسب به نظام اقتصادی اسلام نمود؛ بنابراین اگر مؤسسه پولی در چارچوب مأموریت‌هایی که نظام اقتصادی اسلام ارائه می‌دهد، تأسیس گردد، می‌توان گفت آن نهاد، یکی از اجزای نظام اقتصادی اسلام است. مراد از مأموریت در گزاره مطرح شده، اجزایی از نظام اقتصادی اسلام است که رعایت آنها زمینه تأسیس مؤسسه پولی می‌شود. با توجه به اینکه تعریف مأموریت‌های نهاد در چهارچوب نظام اقتصادی انجام می‌شود، به صورت منطقی تأثیرگذاری مبانی نظام اقتصادی بر این مأموریت‌ها قابل انکار نخواهد بود. البته ابزارهایی که هر نهاد به فراخور نیازهای اجرایی به آن

احتیاج پیدا می‌کند و از آن استفاده می‌کند می‌تواند متفاوت با نظام‌های اقتصادی رقیب باشد؛ مثلاً نهاد پولی در نظام سرمایه‌داری، به جهت نیاز به تجمیع سرمایه‌های جامعه و تمرکز آن در فعالیت‌های خاص، بر اساس اصول خاص آن نظام، تأسیس و طراحی شد. مأموریت این نهاد نیز بر همین اساس در قالب تجهیز منابع و تخصیص آن تعریف می‌شود و برای هر دوی این مأموریت‌ها ابزار قرض ربوی پیش‌بینی شد.

با توضیحات مطرح‌شده، مشخص شد که دریافت صحیح مأموریت‌های نظام اقتصادی اسلام، تابع نوع تلقی از نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. هر اندیشمندی بر اساس نوع تلقی خود از نظام اقتصادی اسلام، روشی را برای دستیابی به مؤسسه پولی اسلامی ارائه می‌دهد. پس با درک روشن از نظام اقتصادی اسلام، می‌توان به مأموریت‌های تأسیس مؤسسه پولی دست پیدا کرد و بر اساس آن مأموریت‌ها، مؤسسه پولی اسلامی را تأسیس نمود. البته ممکن است نتیجه آن مأموریت‌ها حذف بانک موجود و ایجاد مؤسسه پولی جدیدی باشد. روش مأموریت‌محور تأسیسی اختصاصی به نظام اقتصادی اسلام ندارد؛ بلکه هر نظام اقتصادی وقتی بر اساس مبانی خاصی ایجاد شود، برای جریان گردش پولی خود، مأموریت‌های خاصی را ارائه می‌دهد و بر اساس آن، نظام گردش پولی خود را ایجاد می‌کند؛ از باب مثال نظام اقتصادی سرمایه‌داری بر اساس مأموریت‌های خاص متناسب با مبانی خود، نهاد پولی را در چهارچوب بانکداری متعارف طراحی کرد. این نهاد پولی، به دنبال افزایش سود شخصی و بر پایه خلق پول به نفع سرمایه‌داران بانکدار طراحی شده است؛ بنابراین مأموریت‌های نهاد گردش پول برگرفته از نظام اقتصادی اسلام ممکن است به گونه‌ای باشد که نتیجه آن، مؤسسه پولی متمایز از سایر نظام‌ها باشد.

با توجه به مطالب بیان‌شده در این تحقیق با یک پرسش اساسی مواجهیم: روش مأموریت‌محور تأسیسی در ایجاد مؤسسه پولی اسلامی چیست و چه

آثاری دارد؟

پاسخ اجمالی و فرضیه تحقیق عبارت است از: روش مأموریت‌محور تأسیسی، روشی است که مأموریت‌های مؤسسه پولی اسلامی را بر اساس نظام اقتصادی اسلام ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که ساختار مؤسسه پولی اسلامی متفاوت از ساختار بانکداری موجود و آثار خاصی را نیز به دنبال خواهد داشت.

روش تحقیق در مرحله فیش‌برداری و گردآوری مطالب و مدارک، روش کتابخانه‌ای است. به لحاظ ماهیت روش تحقیق، تحلیلی و توصیفی است و با استفاده از ادله و مدارک عقلی و نقلی، اثبات فرضیه تحقیق دنبال می‌شود. بر اساس آنچه بیان شد، ساختار این نوشتار به شکل زیر می‌باشد:

۱. پیشینه علمی تحقیق؛
۲. تبیین روش مأموریت‌محور تأسیسی؛
۳. تبیین نظام اقتصادی اسلام؛
۴. مأموریت‌های مستخرج از نظام اقتصادی اسلام (درون‌ساختاری و برون‌ساختاری)؛
۵. آثار مأموریت‌های مستخرج در طراحی مؤسسه پولی.

پیشینه علمی تحقیق

در نوشته‌های محققان اقتصاد اسلامی روی این موضوع کار علمی خاصی صورت نگرفته است؛ اما تلاش برخی محققان اقتصاد اسلامی را می‌توان نوعی کار علمی در این حوزه تلقی کرد که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: موسویان (۱۳۹۰، ص ۱۴۷) در کتاب طرح تحول نظام بانکی فعالیت‌های مؤسسات مالی را به دو دسته بانکی و غیربانکی تقسیم می‌کند. در مؤسسات بانکی چهار قسم قرض الحسنه، بانک‌های تجاری، بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای و بانک‌های جامع معرفی شده‌اند. در مؤسسات غیربانکی انواعی

از قبیل مؤسسات مالی اعتباری، تعاونی‌های اعتبار، شرکت‌های واسپاری (لیزینگ) و صندوق‌های قرض‌الحسنه معرفی شده‌اند. این تقسیم‌بندی بر اساس اهداف (مأموریت‌های) مختلف مشتریان و عقود متناسب با آن پیشنهاد شده است.

صمصامی و داودی (۱۳۸۹، ص ۱۱۲) در کتاب به سوی حذف ربا سه نوع فعالیت را در بانکداری معتبر می‌دانند و برای هر نوع نیز بانکی را پیشنهاد می‌دهند. بانک قرض‌الحسنه، بانک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ.

محقق‌نیا (۱۳۹۴، ص ۲۹۶) در کتاب الگوی بانکداری اسلامی معتقد است میان ارائه خدمات پولی و حساب‌های جاری و قرض‌الحسنه از بخش واسطه‌گری بانک در سرمایه‌گذاری باید تفکیک صورت پذیرد. سپس به ابعاد مختلف این تفکیک به لحاظ حسابداری و حقوقی و هلدینگ پرداخته است. در این پیشنهاد تخصص‌گرایی به عنوان یک اصل در نظر گرفته شده که هم در نوع قراردادها و هم در نوع فعالیت اقتصادی مورد توجه است. در نهایت در این تفکیک سه ضلع وجود دارد: یکی بانک قرض‌الحسنه که همه خدمات پولی را انجام داده ولی وارد سرمایه‌گذاری نمی‌شود؛ دوم بانک‌های سرمایه‌گذاری که تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و مؤسسات مالی را بر عهده دارند؛ سوم بانک‌ها و یا مؤسسات تخصصی که به تأمین مالی انواع متقاضیان به‌طور تخصصی و با استفاده از عقود مبادله‌ای می‌پردازند. در این تحقیقات ارتباط مؤسسه پولی به نظام اقتصادی اسلام و نیز مأموریت‌های برگرفته از نظام اقتصادی اسلام که برای تأسیس یا طراحی مؤسسه پولی اسلامی مؤثر می‌باشد، مورد بررسی قرار نگرفته، اما لازم است به تلاش‌های یادشده اشاره شود.

مادرشاهی و همکاران (۱۴۰۲) در کتاب الگوی مطلوب بانکداری اسلامی به صورت ویژه و برای نخستین بار به طراحی الگوی بانکداری بر اساس مبانی اسلام پرداخته و ساختاری مبتنی بر اصل تفکیک میان فعالیت‌های

بانکی ارائه داده‌اند. محققان پژوهشگاه فقه نظام در این کتاب بانکداری را نه بر اساس حیطه‌های فعالیت، بلکه بر اساس نوع فعالیت به سه گونه بانک خدماتی، صندوق سرمایه‌گذاری و صندوق خیرخواهانه تقسیم کرده و برای هر یک اقتضائاتی ارائه داده‌اند. این الگو بر اساس ادعای نویسندگان خالی از خلق پول بانکی خواهد بود.

امتیاز تحقیق حاضر، ارائه مؤسسه پولی بر اساس روشی جدید است که نتایج آن هم ساختار و هم آثار متفاوت از بانکداری متعارف می‌باشد.

تبیین روش مأموریت‌محور تأسیسی

روشی که اکنون در نظام جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود این است که مجلس شورای اسلامی به پشتوانه اندیشه کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، الگویی اقتصادی را بر اساس شرایط اقتصاد ایران به صورت مواد قانونی به تصویب می‌رساند. این الگو که غالباً بر اساس دانش اقتصادی متعارف طراحی شده است، بر اساس مبانی، اصول و اهداف تعریف‌شده در نظام اقتصادی غیراسلامی شامل مأموریت‌های خاصی برای نهادهای مرتبط است. پس از تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان که وظیفه بررسی انطباق یا عدم انطباق قانون مذکور با شریعت اسلام و قانون اساسی را بر عهده دارد، نسبت به این مسئله اظهارنظر می‌کند؛ اما حتی در صورتی که مواد قانونی تصویب‌شده در مجلس با دستورات اسلام مغایرت صریح نداشته باشد، اصل ساختارها و ریل‌های اقتصادی با همان مأموریتشان حفظ می‌شود و تنها رفتارها و روابط درون آنها مورد قضاوت شورای نگهبان قرار می‌گیرد؛ بنابراین حکم به عدم مغایرت این قوانین با شریعت و قانون اساسی، به صورت دقیق و کامل بیان‌کننده اسلامی بودن این الگوهای اقتصادی نیست. مسئله جایی بغرنج‌تر می‌گردد که در برخی موارد با این استدلال که باید با دنیا تعامل

داشته باشیم و مصلحت و ضرورت اقتصادی اقتضا دارد برخی رفتارها و روابط که بر اساس همین دیدگاه حداقلی از سوی شورای نگهبان خلاف شرع یا مخالف قانون اساسی تشخیص داده شده است نیز با اصرار مجلس بر مصوبات خویش، از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید می‌شود و به قانون جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌گردد. هرچند آنچه از طریق مجمع تشخیص نظام مورد تصویب قرار می‌گیرد، موقتی و تا مادامی که مصلحت آن موجود است، صحیح می‌باشد، اما متأسفانه تمام این نوع قوانین دائمی تلقی شده و موقت بودن آن فراموش گردیده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: یوسفی و مادرشاهی، ۱۳۹۷/ همو، ۱۴۰۰).

در روش عدم مغایرت ساختارها و ریل‌ها و نیز اهداف و مأموریت‌های عاریه‌گرفته‌شده از نظام‌های اقتصادی سکولار، حفظ شده و تنها رفتارها و روابط درون آنها با روش فقه اصغر تحلیل و امضا می‌گردد. وقتی دو عنصر مهم هر نظامی (ساختارها و مأموریت‌ها) حفظ شوند و تنها رفتارها و روابط درون نظام، به روش عدم مغایرت بررسی شوند، بعید است موازین اسلامی در درون آن نظام نهادینه گردند. تجربه بیش از چهل سال گذشته، سرمایه بزرگ و شاهد روشنی برای این مدعاست؛ به عنوان مثال نظام بانکی موجود با همان ساختار و مأموریت در نظام اقتصادی سکولار، وارد جمهوری اسلامی ایران شد. دستگاه فقهی موجود بدون توجه به ساختار و مأموریت‌های آن، با استفاده از فقه اصغر تنها رفتارها و روابط درون آن را - در صورتی که بتواند آنها را درست بشناسد - تحلیل می‌کند و در صورت عدم احراز مغایرت با موازین فقهی تأیید می‌کند؛ اما تقریباً تمام متخصصان بانکی آشنا به موازین اسلامی معتقدند که چنین امری غیرممکن است و بانک‌ها با حفظ ساختارها و مأموریت‌های خود، نمی‌توانند موازین اسلامی را رعایت کنند و به سمت رباخواری و سایر خط قرمزهای شریعت حرکت خواهند کرد.

در روش مأموریت‌محور تأسیسی، ابتدا نظام اقتصادی اسلام درست تلقی

شده، اهداف و مأموریت‌های آن مشخص و ابعاد و اجزای آن روشن شده و آن‌گاه بر اساس آن مأموریت‌ها و فقه متداول، نظام پولی طراحی می‌شود؛ بنابراین در این روش، ابتدا باید درک روشنی از نظام اقتصادی اسلام ارائه شود. در درک نظام اقتصادی اسلام، توجه به این نکته ضروری است که جریان اقتصاد در دهه‌ها و سده‌های اخیر به شدت به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی گرایش پیدا کرده و با جریان اقتصاد در سده‌های قبل از آن اختلاف فاحشی از این جهت دارد. این نکته موجب می‌شود که هر نظام اقتصادی در عصر حاضر را غیر قابل مقایسه با نظام اقتصادی در دوره‌های زمانی پیش از آن بدانیم. به همین جهت رویکرد امضایی شریعت اسلام در مواجهه با اعتبارات عقلانی در حیطه طراحی نظام اقتصادی قابل احتجاج نخواهد بود؛ زیرا استمرار این رفتارهای عقلانی در حیطه طراحی نظام اقتصادی تا زمان حیات معصومان (ع) محل خدشه و مناقشه است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که نظام اقتصادی اسلام یک نظام تأسیسی بر اساس معارف و مبانی اسلامی است؛ همان‌طور که در سایر نظام‌های سکولار نیز نظام اقتصادی آنها بر اساس مبانی، اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام با مبانی، اهداف و اصول سایر نظام‌های اقتصادی سکولار تفاوت اساسی داشته باشد، به‌طور منطقی نظام اقتصادی اسلام با نظام اقتصادی سکولار تفاوت اساسی خواهد داشت؛ به عبارت دیگر نظام اقتصادی اسلام یک نظام تأسیسی است و باید بر اساس مبانی، اهداف و اصول اقتصادی تأسیس شود. وقتی اصل نظام اقتصادی اسلام، یک نظام تأسیسی باشد،^۱ به تبع ساختارها و ریل‌های گردش پولی و مالی آن نیز تأسیسی خواهد بود؛ بنابراین مأموریت‌های اصلی نظام گردش پولی باید از نظام اقتصادی اسلام استخراج و بر اساس آنها نظام گردش

۱. مراد از تأسیس، ایجاد ساختارهای نظام اقتصادی اسلام بر اساس مبانی، اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای که ساختار نظام اقتصادی اسلام با نظام‌های دیگر سکولار تفاوت اساسی داشته باشد؛ بنابراین تأسیس و امضا در متن مقاله متفاوت از استعمال آن در فقه است.

پولی اسلامی تأسیس شود. پس لازم است ابتدا نظام اقتصادی اسلام به‌طور خلاصه معرفی و مأموریت‌های آن مشخص شود و بر اساس آن مأموریت‌ها مؤسسه پولی مناسب تأسیس و طراحی گردد.

تبیین نظام اقتصادی اسلام

به‌رغم استفاده فراوان از واژه نظام اقتصادی، هنوز توافقی بین نظریه‌پردازان اقتصادی روی این واژه وجود ندارد. تفاوت‌ها چنان فراوان است که یافتن نقاط اشتراک بین تعریف‌های ارائه‌شده با مشکل روبه‌روست. این اختلاف‌ها بین محققان اقتصاد اسلامی که درصدد تعریف واژه نظام اقتصادی اسلام برآمده‌اند، نیز وجود دارد (برای آشنایی بیشتر ر.ک: میرمعزی، ۱۳۸۱، صص ۱۵-۲۲ / یوسفی (ب)، ۱۳۸۶، صص ۷-۹). تعریف جامع و مانع از واژه‌ها به‌گونه‌ای که همه صاحب‌نظران آن را بپذیرند، امری دشوار است؛ به‌ویژه اگر واژه‌ها ارزش‌محور باشند؛ یعنی از مبانی هستی‌شناختی خاصی شکل بگیرند تعریف آنها با دشواری بیشتری همراه است (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۶). افزون بر آن در تعریف واژه‌ها نیازی به تعریف جامع و مانع نیست تا به نقد و بررسی دقیق تعریف‌های ارائه‌شده پرداخته شود؛ بلکه عبارت‌ها یا شکلی دیگر از بیان که مقصود را برای مخاطب القا کند، کافی است.

وقتی واژه نظام، استعمال می‌شود دو عنصر اساسی را به ذهن تبادر می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. اجزای مرتبط به هم؛ ۲. هدف یا اهدافی که اجزای مرتبط آنها را دنبال می‌کنند. چون نظام از هر نوعی که باشد، همیشه بیش از یک عنصر را شامل خواهد شد؛ وگرنه نظم بی‌معنا می‌باشد. افزون بر آن، هر نظامی همیشه در پی هدفی است؛ بنابراین، با توجه به دو عنصر اصلی، می‌توان تعریفی متناسب با هدف مقاله حاضر ارائه داد:

نظام اقتصادی اسلام عبارت است از: مجموعه‌ای از آموزه‌های سازگار مربوط به حوزه اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) که شامل مبانی

هستی‌شناختی، هدف‌ها، رفتارها و روابط، ساختار اقتصادی و اصول راهبردی خاصی است که از منابع اسلامی، استنباط و استخراج می‌شوند. از آنجایی که نظام اقتصادی اسلام، یکی از زیرنظام‌های نظام اجتماعی و یک نظام رفتاری است، می‌توان آن را با محوریت رفتارها و روابط نیز تعریف نمود؛ به عبارت دیگر، می‌توان رفتارها و روابط را به عنوان موضوع دانش نظام اقتصادی اسلام قرار داد و به صورت زیر تعریف کرد:

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری مربوط به حوزه اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف)، مبتنی بر مبانی خاص و در چارچوب ساختار و اصول راهبردی برای تحقق اهدافی از منابع اسلامی، استنباط و استخراج می‌شوند.

نظام اقتصادی اسلام در متن حاضر، عبارت است از نظام اقتصادی که از منظر اسلامی مطلوب و نه صرفاً جائز باشد. نگارنده بر این باور است که نظام اقتصادی اسلام، بر اساس روشی خاص قابل کشف است. روش کشف نظام اقتصادی اسلام برخلاف رویکرد موجود نه صرفاً بررسی مغایرت و عدم مغایرت رفتارهای جزئی موجود در آن با احکام صریح اسلامی، بلکه روشی پیچیده‌تر و واقعی‌تر است. در این روش با مراجعه به مبانی هستی‌شناسی اسلام و اهداف آن، اصول کلان راهبردی نظام اقتصادی اسلام کشف می‌گردد. با بررسی نیازهای بالفعل اقتصادی و با توجه به مبانی و اهداف و اصول نظام اقتصادی مأموریت‌هایی کشف و طراحی می‌شود.

پس از کشف مأموریت، نهاد پولی بر اساس آن طراحی می‌گردد. در نهایت، با بررسی ادله مستقیم فقهی، مطابقت یا عدم مطابقت رفتارها و روابطی که در دل نهاد به وجود آمده است، ارزیابی می‌شود. شایان ذکر است که این روش، نه تنها الگوی ارزیابی معروف به روش عدم مغایرت را کنار گذاشته است، بلکه با توجه به مأموریت‌های نظام اقتصادی اسلام، انطباق طراحی‌ها با مبانی و ضوابط اسلامی را بیشتر نیز نموده است.

همان‌گونه که گفته شد، نظام اقتصادی اسلام اهداف خاص خود را دارد. این اهداف به اهداف کلان و بلندمدت و اهداف میان‌مدت تقسیم می‌شود. همچنین نظام اقتصادی اسلام اصولی کلان و راهبردی نیز دارد که قواعد و قوانین کلی آن را تشکیل می‌دهد و ساختار اقتصادی بر اساس آن طراحی می‌شود. این اصول کلان راهبردی، قواعد کلی اسلام در حیطه اقتصاد هستند که در همه ابعاد اقتصاد جاری خواهند بود.

بنابراین، منظور از نظام اقتصادی اسلام در این مقاله، نظام اقتصادی مطلوب است که از منابع اسلامی کشف می‌شود. آنچه از منابع اسلامی کشف می‌شود، نظام اقتصادی مکشوف است. نظام اقتصادی مکشوف اگر از منابع و با روشی کشف گردد که از منظر دینی حجت باشد، می‌توان آن را منتسب به اسلام نمود و به عنوان یک نظام اقتصادی مجاز به برنامه‌ریزی برای اجرای آن خواهیم بود. آنچه با برنامه‌ریزی، اجرا می‌شود نظام اقتصادی موجود خواهد بود. متصدیان نظام اقتصادی اسلام برای تغییر وضعیت موجود نظام اقتصادی به سمت نظام اقتصادی مطلوب، باید تلاش مستمر داشته باشند؛ یعنی فهم خود را در استفاده از منابع و روش صحیح برای کشف نظام اقتصادی مطلوب، باید دقیق و ارتقا دهند تا نظام اقتصادی مکشوف به نظام اقتصادی مطلوب نزدیک و شبیه‌تر شود. همچنین در عملیاتی کردن نظام اقتصادی مکشوف، باید روش‌های درستی در پیش گیرند تا نظام اقتصادی موجود به نظام اقتصادی مکشوف و مطلوب نزدیک‌تر گردد.

برای تلقی روشن‌تر از نظام اقتصادی اسلام، تعریف ارائه‌شده در قالب الفاظ، به صورت نمودار زیر ارائه می‌شود (جهت آشنایی بیشتر ر.ک به: یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۵۱-۵۳).



نمودار ۱: نمودار تعریف نظام اقتصادی اسلام و اجزای آن

در توضیح نمودار نظام اقتصادی اسلام می‌توان گفت اجزای این نظام با روشی به نام روش ترکیب که حجیت آن در نوشته‌های دیگر اثبات شده است، از منابع و مدارک اسلامی استخراج و کشف می‌گردد (جهت آشنایی با روش ترکیب ر.ک به: یوسفی (الف)، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸-۲۱۸). این درخت طیفه مجموعه اجزای نظام اقتصادی اسلام را نشان می‌دهد. ریشه‌های این

درخت طیبه، مبانی هستی‌شناختی اسلام است. اولین نتیجه و امتداد مبانی، اهداف فعالان اقتصادی است که به چهار دسته تقسیم می‌شود؛ چون این اهداف از مبانی استخراج و کشف شده‌اند؛ بنابراین پیگیری هر چهار هدف فعالان اقتصادی، امری مطلوب و چنین رفتاری از منظر نظام اقتصادی اسلام، رفتاری عقلایی محسوب می‌گردد.

منطق صحیح امتداد مبانی، همین اهداف فعالان اقتصادی می‌باشد. وقتی اهداف فعالان اقتصادی از مبانی استخراج و کشف شود و امر مطلوبی برای نظام اقتصادی اسلام محسوب گردد، باید نظام اقتصادی اسلام زمینه‌های تحقق آنها را فراهم کند و موانع را برطرف نماید. تحقق هر یک از اهداف فعالان اقتصادی، نیازمند نوع مالکیت و اصل رفتاری متناسب با آن هدف است. هر ساختار (بخش) اقتصادی با سه مؤلفه هدف فعالان اقتصادی، اصل رفتاری و مالکیت متناسب با آن هدف، شکل می‌گیرد؛ به عنوان مثال مؤلفه هدف «پیگیری منافع مادی شخصی» در کنار دو مؤلفه اصل رفتاری سودجویی مسئولانه و مالکیت فردی، بخش خصوصی اسلامی را شکل می‌دهد. همان‌گونه که مشخص است، قید «مسئولانه» نه به اقتضای هدف فعالان بخش خصوصی، بلکه به اقتضای اصل کلان عدالت اقتصادی به این اصل رفتاری اضافه شده است. همچنین هر یک از سه نوع هدف دیگر، با دو مؤلفه مرتبط با خود، بخش‌های (ساختارهای) دیگر نظام اقتصادی اسلام را شکل می‌دهند؛ بنابراین نظام اقتصادی اسلام یک نظام چهاربخشی با مشخصه‌های بیان شده است. (جهت آشنایی بیشتر رک به: یوسفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱-۱۳۰)

در درون هر بخش اقتصادی بر اساس سه مؤلفه بیان شده (هدف فعالان اقتصادی، نوع مالکیت و اصل رفتاری متناسب با آن هدف)، انواع رفتارها و روابط هدفمند (رفتارها و روابط عقلایی) شکل می‌گیرند. مقصود از رفتار و روابط هدفمند، رفتارها و روابط اقتصادی مرتبط با هدف مورد نظر آن بخش می‌باشد. هر رفتار تولیدی، توزیعی و مصرفی به دنبال هدف معین شده در آن

بخش است. مثلاً رفتار تولیدی در بخش خصوصی با هدف پیگیری منافع مادی شخصی اتفاق می‌افتد، ولی در بخش خیرخواهانه با هدف تأمین منافع مادی دیگران و اخروی خویش واقع می‌شود؛ همان‌طور که عقودی که در هر بخشی اتفاق می‌افتد، ممکن است اغلب با عقود بخش دیگر تفاوت داشته باشد؛ مثلاً در بخش عضو محور یا تعاونی برای پیگیری و تحقق هدف فعالان اقتصادی، اغلب عقود مشارکتی استفاده می‌شود؛ اما در بخش خیرخواهانه اغلب عقودی از قبیل وقف، قرض الحسنه و هدایا اتفاق می‌افتد.

در مرحله بعدی متناسب با رفتارها و روابط اقتصادی، انواع بازارها شکل می‌گیرند. نوع بازاری که برای بخش عضو محور شکل می‌گیرد با بازار بخش‌های دیگر اقتصادی متفاوت می‌باشد. در بخش عضو محور بازار کار یا وجود ندارد یا با بازار کار بخش خصوصی اسلامی تفاوت جدی دارد. همان‌طور که در بخش خیرخواهانه هیچ نوع بازاری به معنای اقتصادی آن وجود ندارد (ر.ک به: یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۹-۲۴۱).

این نوع ورود به نظام اقتصادی اسلام، بخش‌های آن را با توجه به مؤلفه‌های آن روشن می‌کند. البته تبیین تفصیلی این مطلب، مجال وسیعی را طلب می‌کند که علاقه‌مندان به منابع مربوطه مراجعه نمایند (ر.ک به: همان، ص ۱۸۵-۲۹۸). نظام اقتصادی اسلام، برای اجزای خود مثل مؤسسه پولی، مأموریت‌هایی را ارائه می‌دهد که باید اجزایش بر اساس آن مأموریت‌ها طراحی شوند تا مجموعه اجزای نظام اقتصادی اسلام در مسیر تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشند.

مأموریت‌های درون‌ساختاری برای مؤسسه پولی

آنچه ارائه شد، پیکره اصلی نظام اقتصادی اسلام است. این پیکره به دنبال اهداف کلانی در چارچوب اصول راهبردی خاصی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. افزون بر مأموریت‌های مستخرج از پیکره اصلی نظام اقتصادی اسلام، اهداف کلان و نیز اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام،

مأموریت‌های عام برون‌ساختاری محسوب می‌شوند که در طراحی مؤسسه پولی مطلوب باید مورد ملاحظه قرار گیرند؛ بنابراین ابتدا مأموریت‌های مستخرج از اصل پیکره نظام اقتصادی اسلام بیان می‌شود و به دنبال آن، مأموریت‌های برون‌ساختاری تبیین می‌گردد.

بر اساس مطالب بیان‌شده روشن شد که نظام اقتصادی اسلام یک نظام اقتصادی چهاربخشی: دولتی، خصوصی، تعاونی و خیرخواهانه است. در بخش خیرخواهانه، فعالان اقتصادی به دنبال تأمین منافع مادی دیگران، در بخش خصوصی به دنبال منافع مادی خود، در بخش تعاونی به دنبال منافع خود و دیگران و در بخش دولتی به دنبال تأمین رفاه مادی عموم مردم از طریق قانونگذاری، هدایت، حمایت و در صورت نیاز تصدی‌گری دولت است. با نظر به اینکه دو بخش از چهار بخش نظام اقتصادی اسلام - بخش خصوصی و تعاونی - به دنبال سود و منافع مادی خود هستند، می‌توان نظام اقتصادی اسلام را یک نظام سه‌بخشی «بخش خیرخواهانه، دولتی و سودآوری» تلقی کرد؛ بنابراین ساختار گردش پولی نظام اقتصادی اسلام را باید یک ساختار سه‌ضلعی ترسیم و طراحی نمود. وظیفه اصلی دولت در نظام اقتصادی اسلام، ارائه انواع خدمات قانونگذاری، هدایت‌گری، نظارت و در صورت نیاز تصدی‌گری برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام است. از آنجایی که این مأموریت‌ها از درون و پیکره اصلی نظام اقتصادی اسلام استخراج شده‌اند، مأموریت‌های درون‌ساختاری به آنها اطلاق می‌شوند. در کنار مأموریت‌های درون‌ساختاری، اهداف کلان و اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام برای مؤسسات پولی اسلامی به عنوان مأموریت‌های برون‌ساختاری محسوب می‌گردند که در ادامه بیان می‌شوند.

مأموریت‌های برون‌ساختاری برای مؤسسه پولی مطلوب

تمام اجزای نظام اقتصادی اسلام (خرده نظام‌های اقتصادی اسلام) از جمله مؤسسات پولی باید در چارچوب اصول راهبردی خاصی به سمت

اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام طراحی و ساماندهی شوند. پس تحقق اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام به عنوان بخشی از مأموریت‌ها در طراحی مؤسسه پولی محسوب می‌شود. همچنین وقتی مؤسسه پولی در چارچوب اصول راهبردی طراحی گردد، پس رعایت اصول راهبردی نیز بخش دیگری از مأموریت‌های مؤسسه پولی می‌باشند؛ بنابراین لازم است هر دو دسته مأموریت‌های برون‌ساختاری مؤسسه پولی بیان شوند. بحث اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام و نیز اصول راهبردی آن در کتاب نظام اقتصاد مقاومتی به تفصیل آمده است (ر.ک به: یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۲۹۹-۴۲۵)؛ اما از آنجایی که به عنوان مأموریت‌های مؤسسه پولی محسوب می‌شوند لازم است به نحو اختصار گزارش شوند.

اهداف نظام اقتصادی اسلام^۱

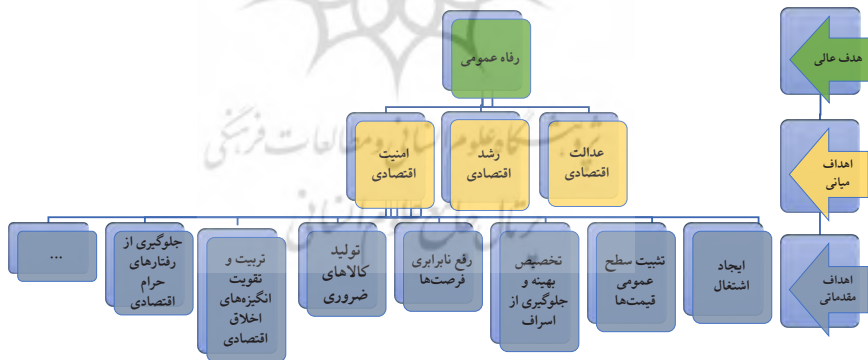
اهداف نظام اقتصادی اسلام به سه رتبه عالی، میانی و مقدماتی (عملیاتی) تقسیم می‌شوند. هدف عالی نظام اقتصادی اسلام، رفاه عمومی یا حد کفاف برای همه مردم است؛ یعنی تمام آحاد جامعه اسلامی به لحاظ اقتصادی باید در حد کفاف تأمین شوند. منظور از حد کفاف، آن حدی از درآمد و مصرف است که نیازهای ضروری و نسبی فرد برطرف شود؛ به عبارت دیگر فرد دچار فقر مطلق و نسبی نباشد. هر فردی موظف است با تلاش خود سطح زندگی افراد واجب‌النفعه خود را به حد کفاف برساند. اگر شخصی قادر به کار و تلاش نباشد یا کار و تلاش کافی دارد، اما درآمدهایش کفاف هزینه‌هایش را نکند، لازم است سایر مردم و دولت زمینه‌های رفع نیازهای ضروری او را فراهم نمایند؛ اما در رفع نیازهای نسبی، دولت باید تلاش‌های لازم را داشته

۱. ممکن است در تعریف نظام اقتصادی اسلام، اهداف و اصول راهبردی این نظام اختلاف برداشت بین محققان اقتصاد اسلامی وجود داشته باشد؛ اما این امر در اصل روشی که در صدد تبیین آن هستیم، اهمیت چندانی ندارد؛ چون در نهایت اجزای اهداف یا اصول راهبردی متفاوت خواهد شد، ولی بعید است اندیشمندان نظام اقتصادی اسلام در اینکه اهداف کلان یا اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام باید به عنوان مأموریت‌های نظام بانکی در طراحی آن مورد توجه قرار گیرد، تردید کنند.

باشد و مردم تکلیف واجبی ندارند (ر.ک به: همان، ص ۳۰۷-۳۲۰).

اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام عدالت، امنیت و رشد اقتصادی هستند. ارتقای هر یک از اهداف میانی زمینه تحقق و ارتقای هدف عالی یعنی حد کفاف افراد می‌شود. برای تحقق اهداف میانی، لازم است از طریق اهداف مقدماتی یا اهداف عملیاتی اقدام شود. این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، تخصیص بهینه و پرهیز از اسراف، رفع نابرابری فرصت‌ها، تولید کالاهای ضروری، تربیت و تقویت انگیزه‌های اخلاق اقتصادی و

اهداف عملیاتی محدود نیستند و نیازی نیست که همه آنها از منابع اسلامی استخراج شوند؛ ولی لازم است منافاتی با موازین اسلامی نداشته باشند و همچنین زمینه تحقق اهداف میانی را فراهم کنند. چون تحقق اهداف عالی نظام اقتصادی اسلام تنها از طریق پیگیری اهداف مقدماتی و میانی ممکن است. اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام در نمودار زیر مشخص شده است (ر.ک به: همان، ص ۲۹۹-۳۶۵):



بنابراین در تأسیس و طراحی مؤسسه پولی و تدوین قوانین مربوط به آن تمام اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام به عنوان بخشی از مأموریت‌های برون‌ساختاری مؤسسه پولی باید مورد توجه قرار گیرد و به‌طور کامل اشباع گردند.

اصول راهبردی نظام اقتصاد اسلام

اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام بر اساس منطق خاصی به سه نوع تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از (ر.ک به: همان، ص ۳۶۷-۴۲۵):

۱. اصل آزادی اقتصادی مسئولانه

بر اساس این اصل، تمام فعالان اقتصادی مالک کار و تلاش خود هستند و حق دارند از نیروی کار و سرمایه‌های فیزیکی خود در فعالیت‌های اقتصادی به هر نحوی خواسته باشند استفاده نمایند. بر اساس ادله اسلامی هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی حق ندارد مانع تحقق این آزادی اقتصادی شود. البته فعالان اقتصادی در برابر استفاده از این آزادی اقتصادی مواجه با مسئولیت‌هایی هستند که باید آنها را ایفا نمایند. این مسئولیت‌ها عبارت‌اند از: فعالیت‌های اقتصادی باید از نظر اسلام مشروع باشند، در مسیر مصالح امت اسلامی تعریف شوند و بر اساس چارچوب‌های تعیین‌شده حاکمیت اسلامی قرار گیرند (همان، ص ۳۷۳-۳۸۰).

۲. اصل توزیع عادلانه ثروت و درآمد

برای تحقق عدالت اقتصادی به معنایی که در اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام بیان شده، لازم است توزیع ثروت‌ها و درآمدهای جامعه بر اساس دو مؤلفه «تأمین در حد کفاف و زمینه بهره‌مندی مساوی از انواع فرصت‌ها» برای آحاد جامعه فراهم گردد (همان، ص ۳۸۱-۳۹۸).

۳. اصل حضور مسئولانه دولت در اقتصاد

رسالت اصلی دولت در اقتصاد فراهم کردن زمینه تحقق اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام، به‌ویژه هدف عالی آن یعنی رفاه مطلوب برای عموم آحاد جامعه است. وقتی برای نظام اقتصادی اسلام هدف عالی و اهداف میانی تعیین شد، اندازه دولت، میزان حضور آن و سایر فعالیت‌های اقتصادی‌اش با توجه به آن اهداف تعیین می‌شوند. وقتی دولت چنین مسئولیتی در اقتصاد بر

عهده گیرد، بنابراین حق قانونگذاری، هدایت و نظارت را نیز خواهد داشت. به همین جهت تعبیر به حضور مسئولانه دولت در اقتصاد شده است. در تأسیس و طراحی مؤسسه پولی لازم است تمام اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام به عنوان بخشی از مأموریت‌های برون‌ساختاری آن مورد توجه قرار گیرد و مؤسسه پولی در چارچوب این اصول تأسیس و طراحی شوند و تدوین قوانین مؤسسه پولی نیز بر اساس این مأموریت‌ها صورت گیرد تا کل نظام اقتصادی اسلام به سمت اهداف کلان ساماندهی گردد.

آثار مأموریت‌های مستخرج در طراحی مؤسسه پولی مطلوب

الف) مأموریت‌های درون‌ساختاری

با توجه به مطالب بیان‌شده، ساختار گردش پول در نظام اقتصادی اسلام در بخش خیرخواهانه باید به قصد خیرخواهی، در بخش خصوصی و تعاونی به دنبال سودآوری و در بخش دولتی در پی ارائه انواع خدمات پولی برای کل بخش‌های نظام اقتصادی اسلام و عموم مردم و نیز مدیریت جریان پولی دو بخش دیگر در جهت تحقق اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام باشد؛ بنابراین اولین مأموریت مستخرج از پیکره اصلی نظام اقتصادی اسلام آن است که ساختار گردش پولی در نظام اقتصادی اسلام، یک ساختار سه‌ضلعی خیرخواهانه، سودآوری و خدماتی قرار گیرد. هر ضلع آن باید در چارچوب اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام به سمت تحقق اهداف کلان این نظام، ساماندهی و طراحی شود. ویژگی‌های اصلی هر یک از سه ضلع به اختصار اشاره می‌شود:

۱. **مؤسسه خدمات پولی:** فعالیت خدمات پولی را مؤسسه‌ای انجام می‌دهد که نسبت به مؤسسه مرکزی پولی در حکم صف و ستاد است؛ یعنی این نوع مؤسسه پولی به انگیزه سودآوری فعالیت نمی‌کند تا در سودآوری بیشتر از سایر مؤسسات پولی سبقت بگیرد؛

بلکه وظیفه‌اش ارائه خدمات پولی است که تنها هزینه آن را دریافت می‌نماید. از آنجایی که مؤسسه پولی در این فعالیت اقتصادی باید در مسیر تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام حرکت کند، لازم است حاکمیت اسلامی فعالیت جریان گردش پولی را به گونه‌ای ساماندهی نماید تا در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام قرار گیرد. برای تحقق این امر می‌تواند از بخشی از مردم مستضعف و محروم جامعه هزینه خدمات پولی را دریافت نکند. همچنین برای کاهش هزینه‌های مؤسسه پولی لازم است تنها یک مؤسسه عهده‌دار ارائه خدمات پولی باشد و به مقدار لازم با ایجاد شعبه‌ها در سراسر کشور این خدمات را ارائه دهد. حتی برای کاهش تصدی‌گری دولتی لازم است تحت نظارت حاکمیت، مردم در بخشی از انجام خدمات پولی نیز مشارکت کنند و به ازای ارائه خدمات، هزینه خدمات را دریافت کنند؛ بنابراین تمام اشخاص حقیقی و حقوقی برای دریافت انواع خدمات پولی باید در این مؤسسه افتتاح حساب نمایند. حتی دو نوع مؤسسه دیگر خیرخواهانه، سرمایه‌گذاری و سودآوری، باید در این مؤسسه پولی افتتاح حساب نمایند و خدمات پولی خود را از طریق این مؤسسه دریافت کنند. این مؤسسه پولی حق ارائه تسهیلات و وام را ندارد. تنها مؤسسه پولی خیرخواهانه و سرمایه‌گذاری می‌تواند وام دهند؛ به عبارت دیگر نهادی که سپرده‌های مردم نزد آن است حق پرداخت وام و تسهیلات را ندارد و نهادی که وام و تسهیلات می‌کند حق سپرده‌پذیری را ندارد. هنگام پرداخت وام و تسهیلات سرمایه‌گذاری یا قرض‌الحسنه، مبلغ وام در مؤسسه خدماتی تنها از حسابی کسر و به همان میزان به حساب دیگر که مؤسسه سرمایه‌گذاری و خیرخواهانه به آن دسترسی دارند، اضافه می‌شود. بدین وسیله جریان خلق پول به صورت تفکیک نهادی و پیشینی

کنترل می‌شود.

۲. **فعالیت‌های خیرخواهانه:** این قبیل فعالیت‌ها را مؤسسات پولی‌ای انجام می‌دهند که به دنبال سود مادی نیستند و تنها واسطه خیر بین سپرده‌گذار و متقاضی کمک خیرخواهانه هستند. کمک‌های خیرخواهانه اعم از قرض‌الحسنه و بلاعوض است. روشن است که مؤسسه تنها واسطه وجوه خیرخواهانه برای تأمین هدف سپرده‌گذار است و می‌تواند هزینه خدمات واقعی خود را دریافت کند. البته در اصل جواز دریافت هزینه خدمات فعالیت‌های خیرخواهانه، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. روشن است که سپرده‌گذار به دنبال سود مادی خود نیست و این نوع فعالیت اقتصادی اگر به صورت صحیح انجام شود برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام بسیار مهم است.

۳. **فعالیت سرمایه‌گذاری:** این قبیل فعالیت به قصد سودآوری انجام می‌شود. در این فعالیت، مؤسسه به عنوان نهاد واسطه وجوه عمل می‌کند. مؤسسه با واسطه‌گری تخصصی بین سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان، حق واسطه‌گری خود را به صورت درصدی از سود دو ضلع دیگر دریافت می‌کند. مؤسسه پس از سرمایه‌گذاری به صورت وکالتی از سوی صاحب سرمایه، بر فعالیت اقتصادی نظارت می‌کند و در صورت لزوم با ارائه مشورت‌های تخصصی تلاش می‌کند فعالیت اقتصادی، سودآوری بیشتری داشته باشد و از زیان و ضرر احتمالی فاصله بگیرد. در این فرض در صورتی که فعالیت اقتصادی سودآوری داشته باشد، هر سه ضلع سپرده‌گذار، تسهیلات‌گیرنده و مؤسسه واسطه‌گر سود می‌برند و در صورت زیان فعالیت اقتصادی، هر سه ضلع متضرر می‌شوند. البته این نوع مؤسسات می‌توانند همانند بنگاه‌های املاک عمل کنند و با

معرفی صاحب سرمایه به فعال اقتصادی و فراهم کردن زمینه فعالیت اقتصادی مشارکتی بین آنان، دستمزد خود را دریافت کنند و صاحب سرمایه با فعال اقتصادی در چارچوب قراردادهای مشروع با هم به صورت مشارکت کار و سرمایه، فعالیت اقتصادی داشته باشند.

نتایج مأموریت‌های درون‌ساختاری

یک) یکی از نتایج مأموریت‌های درون‌ساختاری، تفکیک نهادی بین سه نهاد گردش پولی و یک ساختار سه‌ضلعی مؤسسه پولی است که مانع جریان خلق پول به صورت نهادی می‌شود؛ بنابراین وقتی خلق پول، هویت اصلی بانک را تشکیل می‌دهد، اطلاق بانک به چنین مؤسسات پولی درست نیست، بلکه واژه «مؤسسه پولی» مناسب است. وقتی خلق پول هویت اصلی بانک باشد و چنین پدیده‌ای در نظام اقتصادی اسلام غیرمجاز باشد، پس می‌توان گفت در نظام اقتصادی اسلام نیازی به بانک نداریم و در صورتی که نظام اقتصادی موجود اضطرار به خلق پول پیدا کند تنها مؤسسه پولی مرکزی حق دارد به میزان رفع اضطرار خلق پول نماید.

دو) ساختار سه‌ضلعی مؤسسه پولی بیان‌شده کاملاً در خدمت بخش واقعی اقتصاد قرار می‌گیرد و نیازهای بخش واقعی اقتصاد را برآورده می‌کند؛ به‌ویژه صندوق‌های تخصصی سرمایه‌گذاری می‌تواند مأموریت‌های اصلی و واقعی سازمان بورس را نیز برآورده نماید؛ بنابراین با وجود مؤسسه پولی سه‌ضلعی و رفع نیازهای بخش واقعی اقتصاد توسط این ساختار پولی، نیازی به ساختار بورس و بازار سرمایه متداول وجود نخواهد داشت.

سه) با توجه به دو مطلب بیان‌شده، مؤسسه پولی مرکزی نهاد نظارتی برای هر سه نوع مؤسسه پولی خواهد بود. البته مأموریت‌های این نهاد نظارتی مرکزی باید متناسب با ساختار مؤسسات پولی سه‌ضلعی بیان‌شده مشخص گردد.

ب) مأموریت‌های برون‌ساختاری و آثار آن

مأموریت‌های برون‌ساختاری به دو دسته تقسیم می‌شوند که شامل اصول راهبردی و اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام هستند. هر یک از این دو و آثار مترتب بیان می‌شود.

۱. اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام و آثار آن در طراحی مؤسسه پولی

بر اساس اهداف بیان‌شده، هدف عالی نظام اقتصادی اسلام، رفاه عمومی است؛ بنابراین مهم‌ترین مأموریت برون‌ساختاری در بخش اهداف، فراهم‌نمودن زمینه‌های تحقق رفاه عموم مردم است. این امر زمانی محقق می‌شود که اهداف میانی آن محقق شود. اهداف میانی شامل عدالت، رشد و امنیت اقتصادی می‌باشد. تحقق هر یک از اهداف میانی، مقدمه تحقق هدف عالی نظام اقتصادی اسلام است. پس این امور نیز در زمره مأموریت‌ها محسوب می‌شوند و مؤسسه پولی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی گردد که این مأموریت‌ها را محقق کند. در نظام اقتصادی اسلام، مسیر دستیابی به هدف عالی و نیز اهداف میانی، اهداف مقدماتی یا عملیاتی است که در نمودار قبلی نشان داده شد؛ بنابراین هر سه رتبه هدف نظام اقتصادی اسلام، به عنوان مأموریت‌های برون‌ساختاری مؤسسه پولی اسلامی هستند. در ادامه هر یک از این مأموریت‌ها به اختصار توضیح داده می‌شود.

رفاه (کفاف مطلوب): یعنی همه شهروندان در نظام اقتصادی اسلام حق دارند در حد رفاه (کفاف مطلوب) از نعمت‌های مادی الهی بهره‌مند گردند. حد کفاف آن حدی از درآمد و مصرف است که تمام نیازهای ضروری و متعارف فرد برطرف شود؛ به عبارت دیگر فرد دچار فقر مطلق و نسبی نباشد (ر.ک به: یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۷-۳۲۰).

عدالت اقتصادی: یعنی مراعات حقوق اقتصادی انسان‌ها در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی. این امر به صورت هدف، هنگامی به‌طور کامل محقق می‌شود که هر یک از افراد جامعه با معیار کار و تلاش اقتصادی

یا نیاز آنان به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند؛ یعنی کار و تلاش برای کسانی که توان کار دارند و نیاز برای کسانی که ناتوان از کار و تلاش هستند، معیار بهره‌مندی آنان از ثروت و درآمدهای جامعه است (ر.ک به: همان، ص ۳۲۷-۳۳۶ / یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۹۵-۱۱۲).

رشد اقتصادی: نسبت تولید کالاها و خدمات یک کشور در یک سال نسبت به سال قبل، رشد اقتصادی نامیده می‌شود. اگر این نسبت بزرگ‌تر از صفر باشد، رشد اقتصادی مثبت است؛ در صورتی که کمتر از صفر باشد، رشد اقتصادی منفی می‌باشد. رشد اقتصادی برای هر نظام اقتصادی امری لازم و ضروری است؛ چراکه بدون رشد اقتصادی، رسیدن به رفاه عمومی مطلوب امری غیرممکن است؛ بنابراین در ایجاد و تأسیس همه اجزای یک نظام اقتصادی از جمله مؤسسه پولی باید یکی از مأموریت‌های آن، رشد اقتصادی کشور قرار گیرد.

۲. اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام و آثار آن

آزادی اقتصادی مسئولانه

اصل آزادی اقتصادی مسئولانه به اختصار توضیح داده شد. در مؤسسه پولی اسلامی باید این اصل جاری شود و تمام فعالیت‌های مؤسسه پولی در بستر چنین اصلی صورت گیرد. بر اساس تبیین مختصری که از اصل آزادی اقتصادی مسئولانه گذشت، با تحقق این اصل، زمینه لازم برای اینکه مردم مالک منابع و محصول تولیدی خود شوند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش جدی داشته باشند و منابع مالی خود را در هر مسیری که مشروع و قانونی باشد استفاده کنند، فراهم می‌گردد؛ بنابراین مردم‌سالاری اقتصادی دینی در بستر آزادی اقتصادی ممکن می‌شود. نهادهای اقتصادی اسلام از جمله مؤسسه پولی باید به گونه‌ای تأسیس شوند که همه مردم آزادانه نیروی کار و نیز منابع مالی خود را در مسیری که می‌خواهند به کار گیرند و از محصول تلاش‌های خود به نحو کامل بهره‌مند و مالک محصول تولیدی خود باشند.

برخی تلاش‌ها ممکن است در عرصه اقتصادی اتفاق بیفتد که به عنوان مانع تحقق اصل آزادی مسئولانه و آثار آن شوند که به اختصار اشاره می‌گردد:

• مداخلات دولت

دولت در مؤسسات پولی اسلامی برای تحقق اصل آزادی اقتصادی مسئولانه باید تلاش لازم را داشته باشد تا فعالان اقتصادی بتوانند فعالیت‌های پولی و به کارگیری منابع مؤسسه را آزادانه داشته باشند. علاوه بر آن دولت باید زمینه‌های تحقق مأموریت‌های درون‌ساختاری و برون‌ساختاری مؤسسات پولی اسلامی را فراهم نماید؛ بنابراین حتی المقدور نباید مؤسسات پولی قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری را موظف به اموری از قبیل تسهیلات دستوری و تکلیفی نماید. در مقابل با طراحی و اجرای الگوی اسلامی سبب آن شود که نهاد پولی با در اختیار قراردادن سرمایه به تعداد فراوانی از متقاضیان ذی‌صلاح و عدم پرداخت تسهیلات به عده اندکی موجب سلب آزادی‌های اقتصادی شود.

• انحصارات اقتصادی

مهم‌ترین انحصار در عرصه اقتصادی، انحصار مؤسسات پولی برای افراد خاصی است. وقتی مؤسسات پولی در اختیار افراد خاصی قرار گیرند و زمینه استفاده از جریان پولی برای اغلب مردم فراهم نباشد، این امر بدان معنا است که آزادی اقتصادی از آنان سلب شده و در نتیجه تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام میسر نخواهد شد. همچنین انحصار در سرمایه نیز می‌تواند عامل بزرگی در سلب آزادی‌های اقتصادی مردم باشد. وقتی مؤسسات پولی به عامل انحصار سرمایه جامعه برای خود یا افراد یا گروه‌های خاصی در جامعه تبدیل شوند، این امر قدرت و قطب اقتصادی بزرگی را برای آنها فراهم می‌کند و با این قدرت اقتصادی موجب سلب آزادی سایر فعالان اقتصادی می‌گردند؛ چون سرمایه عظیمی در اختیار مؤسسات پولی یا افراد

و گروه‌های خاصی قرار می‌گیرد و قدرت عظیم سرمایه، عرصه فعالیت اقتصادی را از سایر مردم سلب می‌کند. این امر، مانع تحقق آزادی اقتصادی برای عموم فعالان اقتصادی می‌شود. در نتیجه اهداف نظام اقتصادی اسلام محقق نخواهد شد. اعطای وام‌های کلان به افراد خاص، پرداخت تسهیلات بر اساس رانت، وام‌های ربوی و با سود ثابت تضمین‌شده بر سرمایه، منشأ انحصار سرمایه توسط مؤسسات پولی است؛ بنابراین برای جلوگیری از انحصار سرمایه در مؤسسات پولی، لازم است سازوکاری تعریف شود تا هم توازن بخشی در استفاده از سرمایه‌ها رعایت شود و هم پرداخت تسهیلات به افراد بیشتر صورت گیرد.

• موانع خارجی

بر اساس آموزه‌های اسلامی در نظام اقتصادی اسلام هیچ راهی برای سلطه بیگانگان و کفار بر اقتصاد جامعه اسلامی وجود ندارد. قاعده مهم نفی سبیل که متخذ از ادله اسلامی است (نساء: ۱۴۱)، الهام‌بخش مطلب بیان شده می‌باشد. افزون بر آن بر اساس سیاست فراهم کردن عده و عده مطابق با ادله شرعی (انفال: ۶۰) لازم است مؤسسات پولی به گونه‌ای طراحی و اجرایی شوند که دشمن از ایجاد مانع برای فعالیت‌های گردش پولی و اقتصادی در جامعه اسلامی هراسان باشد؛ بنابراین نظام گردش پولی اسلامی افزون بر از بین بردن زمینه سلطه دشمن، باید با برنامه‌ریزی مناسب شرایط حفظ ارزش پول ملی و اقتدار آن را فراهم نماید و با رفع وابستگی اقتصادی در تحقق اصل آزادی اقتصادی نقش خود را به درستی ایفا نماید.

مؤسسه پولی و اصل توزیع عادلانه

اصل توزیع عادلانه دارای دو مؤلفه تأمین عموم مردم در حد کفاف و دیگری زمینه بهره‌مندی مساوی از انواع فرصت‌هاست. فرصت‌ها عبارت‌اند از: فرصت‌های اقتصادی، اطلاعاتی، علمی (پژوهشی و آموزشی)، سلامت و بهداشت. برای آحاد جامعه دسترسی مساوی به این فرصت‌ها باید فراهم

باشد. هر کسی بر اساس توانایی و تلاش خود می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده کند. در ادامه برای تحقق این اصل راهبردی به عنوان یکی از مأموریت‌های مهمی که باید مؤسسه پولی در چارچوب آن تأسیس شود، اشاره می‌گردد:

اقدامات مربوط به اصل توزیع عادلانه در درون مؤسسه پولی

۱. در درون مؤسسه پولی باید اقداماتی صورت گیرد تا کارکنان مؤسسه افزون بر آنکه در حد کفاف درآمد کسب کنند، زمینه بهره‌مندی مساوی از انواع فرصت‌ها برای پیشرفت و بهره‌مندی مناسب آنان فراهم گردد و هیچ‌گونه تبعیضی بین کارکنان ایجاد نشود.
۲. الگوی مصرف مسئولین باید به دور از تشریفاتی که دنیاپرستان دارند، باشد. مخصوصاً در استفاده از منابع حکومت و مردم برای تشریفات باید به شدت پرهیز شود. چون در نظام اسلامی باید زندگی مدیران به گونه‌ای باشد که نشان‌دهنده همراهی با مستضعفین جامعه باشد. با چنین رفتاری علاوه بر آنکه از اسراف جلوگیری می‌شود، به لحاظ روانی نوعی آرامش برای تهی‌دستان فراهم می‌گردد. این امر برای مدیران مؤسسات پولی دولتی به عنوان یک تکلیف و مدیران مؤسسات پولی غیردولتی به عنوان یک ارزش اخلاقی باید تلقی شود.
۳. از مواردی که به شدت اصل عدالت اقتصادی را مورد خدشه قرار می‌دهد وجود خط اعتباری بانک مرکزی برای بانک‌ها هنگام ناترازی است. این امر که در حقیقت نوعی تسهیلات ویژه به صنعت بانکداری محسوب شده و هیچ صنعت دیگری در کشور دسترسی به چنین امکانی ندارد، موجب افزایش قدرت خلق پول بانک‌ها شده و تبعات فراوانی در اقتصاد به همراه خواهد داشت. مسئله وقتی بسیار پیچیده‌تر می‌شود که این امر در بانک‌های خصوصی اتفاق بیافتد.
۴. قدرت خلق پول برای بانک‌های خصوصی هم از مواردی است که

عدالت اقتصادی را به شدت خدشه دار می کند. پول ثروت ملی است و با حمایت حاکمیت ارزش می یابد و اینکه یک مؤسسه خصوصی قدرت خلق پول داشته به گونه ای که از منافع آن به صورت خصوصی بهره مند گردد خلاف عدالت است.

۵. مؤسسه پولی مرکزی که در حکم ستاد برای مؤسسات پولی دیگر است، باید نظارت های لازم را در این زمینه داشته باشد.

اقدامات مربوط به اصل توزیع عادلانه نسبت به بخش واقعی اقتصاد

درباره فراهم کردن مؤلفه های عدالت اقتصادی توسط مؤسسه پولی در بخش واقعی نظام اقتصادی اسلامی لازم است به مطالب زیر توجه شود:

۱. کمک به تأمین حد کفاف برای آحاد مردم

مؤسسه پولی باید نقش خود را برای تأمین در حد کفاف آحاد جامعه اسلامی به خوبی ایفا کند و برای تحقق آن باید بر اساس وضعیت مردم جامعه برنامه روشنی داشته باشد. برای دسته ای از آحاد جامعه با کمک های خیرخواهانه و پرداخت های بلاعوض و به بخش دیگری با قرض الحسنه باید در جهت رفع فقر تلاش کند. به همین جهت مؤسسه پولی خیرخواهانه باید تأسیس شود و این قبیل امور خیرخواهی را دنبال کند. همچنین همین بخش نهاد پولی باید مقدمات لازم جهت تجهیز و تخصیص مالیات های اسلامی برای رفع فقر را داشته باشد. در همین راستا اولویت تسهیلات کارآفرینی برای خانوارهایی که در صدد تأمین راهی برای معاش خود هستند مورد توجه قرار می گیرد.

۲. عدالت در قراردادها

عدالت هم باید در اصل ایجاد قراردادها و هم در مرحله وفای به قراردادها صورت گیرد.

الف) در اصل ایجاد قراردادها: در قراردادهای اسلامی اموری از قبیل ممنوعیت معاملات ربوی و حيله ربوی، غرری، ضرری، منع از غش و غبن

و تدلیس به عنوان شرط معین شده است. مراعات این شرایط زمینه را برای تحقق عدالت اقتصادی فراهم می‌کند؛ از باب مثال اگر مؤسسه بخواهد وارد معاملاتی شود که موجب کاهش ارزش پول ملی و ضرر به مسلمانان شود یا با ایجاد انحصار در سرمایه و یا معاملات غرری که در آن تحقق عوض و یا مقدار آن معلوم نباشد و مانند آن از جهت شرعی باطل بوده و خلاف عدالت اقتصادی و حقوق مردم است.

ب) وفای به قراردادها: در نظام اقتصادی اسلام هم مؤسسه پولی و هم مردم باید متعهد به وفای به قراردادها باشند. برای جلوگیری از نکول مؤسسات پولی نسبت به رعایت شرایط قراردادها حین انعقاد قرارداد و نیز بر اساس قراردادهای منعقد باید مؤسسه مرکزی نظارت کامل داشته باشد تا حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی ضایع نگردد. درباره نکول مردم نسبت به قراردادها تلاش‌های فراوانی برای پیشگیری از تعویق در پرداخت تعهدات صورت می‌گیرد. اموری از قبیل اعتبارسنجی، ضامن معتبر، وثیقه و کفالت باید استفاده شود.

در الگوی مطلوب لازم است از یک سو با یک سیستم اعتبارسنجی مبتنی بر نهادهای اجتماعی در جامعه اسلامی، درخواست‌کنندگان تسهیلات و سابقه فعالیت‌های اقتصادی‌شان مشخص گردد تا اینکه مؤسسه بتواند تسهیلات مناسب را ارائه دهد و از سوی دیگر مؤسسه باید خود با ورود جدی به صحنه اقتصاد به عنوان یک شریک تجاری، واقعیت اقتصاد را رصد نموده و بتواند کسانی را که بازپرداخت تسهیلاتشان به تعویق افتاده دسته‌بندی نماید و با هر گروهی به فراخور حالشان برخورد نماید. در نهایت با بهره‌مندی از ظرفیت موجود در نهادهای مردمی، ابزارهایی را نیز جهت امکان استفاده از ضمانت و کفالت و وثیقه که در اسلام مورد تأکید است، طراحی نماید.

۳. انحصارزدایی و تحقق سود عادلانه

تمام نهادهای اقتصادی نظام سرمایه‌داری در مسیر انتقال دائمی ثروت و سرمایه از طبقات متوسط و پایین جامعه به طبقات بالا هستند. این جریان، تمرکز و انحصار سرمایه را برای افراد خاصی ایجاد می‌کند؛ بنابراین مؤسسه و سایر نهادهای اقتصادی باید چنین رسالتی را بر عهده گیرند. در نظام سرمایه‌داری، تمرکز ثروت و سرمایه از لوازم رشد و توسعه اقتصادی دانسته می‌شود. همین جریان قدرت چانه‌زنی صاحبان سرمایه را نسبت به نیروی کار در بهره‌مندی نهایی از کالاها و خدمات تولیدی، بسیار افزایش داده و نیروی کار قادر نخواهد بود به سود و بهره‌مندی عادلانه خود دست پیدا کند.

بر اساس الگوی مطلوب اسلامی، هم باید رشد اقتصادی محقق شود و هم زمینه‌های ایجاد تمرکز ثروت و سرمایه از بین برود. برای تحقق این امر در نظام اسلامی باید اموری مورد توجه جدی قرار گیرند:

(الف) پرداخت تسهیلات باید در چارچوب ضوابط اسلامی صورت گیرد.

(ب) حتی‌المقدور از پرداخت تسهیلات کلان به افراد پرهیز شود. چون اعطای تسهیلات کلان، زمینه انحصار سرمایه را فراهم می‌کند و به دنبال آن به شدت عدالت را در سهم‌بری نیروی کار از محصول تولیدی از بین می‌برد.

(ج) تا حد امکان باید از صنایع خرد حمایت نمود و صنایع بزرگ را به تولیدی‌های کوچک تبدیل نمود؛ از باب مثال صنعت خودروسازی به صنایع خرد قطعه‌سازی غیرمتمرکز تبدیل شود. اگر برخی صنایع نیازمند سرمایه‌های کلان باشد، حتی‌الامکان باید از مدل‌های مختلف در مشارکت‌های مردمی استفاده شود تا هم تسهیلات در این گونه صنایع به نام همه فعالان اقتصادی صورت گیرد و هم منافع سرمایه برای آنان توزیع شود.

(د) از اعطای تسهیلات با سود ثابت پرهیز شود و رابطه مؤسسه با مشتریان،

رابطه مشارکت واقعی در سود و زیان باشد. پرواضح است که تسهیلات با سود ثابت تضمین‌شده در شرایط رکود، آسیبی جدی به تولیدکننده و در نتیجه منشأ ورشکستگی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و در شرایط رونق به معنی تحصیل سودهای کلان از طریق سرمایه‌های مردم است؛ بنابراین سود ثابت تضمین‌شده هم در شرایط رونق و هم در شرایط رکود اقتصادی خلاف عدالت اقتصادی است.

ه) در اعطای تسهیلات مواردی از فعالیت‌های اقتصادی که برای مقابله با انحصار ثروت و سرمایه است، باید در اولویت قرار گیرد. و) در اعطای تسهیلات به خرید کالاهای لوکس یا تولید آنها پرهیز شود و کالاهایی که برای سطح عموم جامعه نیاز است تا به حد کفاف برسند باید در اولویت قرار گیرد.

۴. واسطه‌گری و عدم بنگاهداری مؤسسه

در بانکداری متعارف بانک‌ها واسطه در قرض ربوی هستند؛ یعنی سپرده سپرده‌گذاران را به صورت قرض ربوی دریافت می‌کنند و آن را با مقداری بیشتر از نرخ قبلی به سپرده‌پذیران قرض می‌دهند. در قانون فعلی عملیات بانکداری غیرربوی، بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران تلقی شده است؛ یعنی خود نهاد بانک می‌تواند وجوه دریافتی سپرده‌گذاران را حسب نوع وکالت در قرض‌الحسنه یا سرمایه‌گذاری استفاده کند. اگر رابطه سپرده‌گذاران با مؤسسه پولی را وکالت بدانیم، در این صورت مؤسسه حق ندارد برای خود معامله کند، بلکه باید به وکالت از مشتری فعالیت داشته باشد و تمام منافع حاصل برای سپرده‌گذار است و مؤسسه تنها باید حق‌الوکاله دریافت نماید؛ به عبارت دیگر مؤسسه پولی واسطه می‌باشد و اگر برای خودش سرمایه‌گذاری و معامله انجام دهد از جهت شرعی و اقتصادی به دلایل زیر صحیح نیست:

الف) خلاف مقتضای عقد وکالت است.

ب) وقتی پول‌های مردم در اختیار مؤسسه قرار گیرد، تبدیل به سرمایه عظیم و کلانی می‌شود و ظرفیت بزرگ اقتصادی را برای مؤسسه فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که قادر خواهد شد فعالیت‌های اقتصادی سایر فعالان را سد کند؛ به عبارت دیگر تبدیل به انحصارگر در حوزه فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود و زمینه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی را از سایرین می‌گیرد و اقتصاد به سمت بی‌عدالتی سوق پیدا می‌کند.

ج) مؤسسه با تجمیع سرمایه عظیم، می‌تواند آن را به سمت برخی فعالیت‌های سودآور غیرمفید مانند زمین، ارز، طلا و خودرو سوق دهد و منشأ تقاضاهای کاذب گردد و مشکلات فراوانی برای اقتصاد پدید آورد. بنابراین مؤسسه باید واسطه‌گری محض برای دو طرف سپرده‌گذار و سپرده‌پذیر داشته باشد و حق واسطه‌گری خود را به صورت درصدی از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی دریافت نماید.

البته، گاهی در حد رساندن سپرده‌گذار و سپرده‌پذیر به یکدیگر می‌تواند نقش واسطه‌گری داشته و حق واسطه‌گری ثابتی را دریافت کند و خود را از معاملات دو طرف دیگر کنار بکشد؛ همانند بنگاه‌های املاک زمین و مسکن.

۵. اقدامات مؤسسه مرکزی برای تحقق اصل توزیع عادلانه

مؤسسه پولی مرکزی لازم است اقدامات زیر را انجام دهد:
الف) کمک‌های لازم را به مؤسسات جهت تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی به عمل آورد.

ب) تعیین مشوق‌هایی برای مؤسسات جهت اعطای تسهیلات به موارد و مناطقی که ضروری است تا زمینه تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی را فراهم کند.

ج) نظارت مؤسسه مرکزی نسبت به عملکرد سایر مؤسسات پولی برای تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی.

۶. ممنوعیت کسب سود مقطوع بدون قبول ریسک سرمایه

با قبول احترام سرمایه اشخاص حقیقی و حقوقی، کسب سود از سرمایه در اسلام با پذیرش ریسک سرمایه و عدم مطالبه سود ثابت و مقطوع از سوی صاحب سرمایه مشروع است. این اصل به عنوان یک قاعده اصطیادی فقهی محسوب می‌شود که می‌توان آن را از روایات ابواب اجاره اعیان و اعمال، قرض، مضاربه و بیع اصطیاد کرد.

اگر سود سپرده‌گذاران ثابت باشد، در دوران رونق و رکود، بی‌عدالتی روشنی اتفاق خواهد افتاد و همچنین جریان اقتصادی کشور با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. در دوران رونق اقتصادی سپرده‌گذار تنها یک سود ثابت توافق‌شده را دریافت می‌کند؛ درحالی‌که ممکن است چند برابر آن نصیب سرمایه‌گذار شده باشد. از سوی دیگر در زمان رکود اقتصادی ممکن است سرمایه‌گذار با ضرر مواجه شود، اما مجبور است سود توافق‌شده را به سپرده‌گذار پرداخت کند. این جریان عادلانه نخواهد بود؛ اما اگر سود سپرده‌گذار، سرمایه‌گذار و همچنین حق واسطه‌گری مؤسسه نیز به صورت درصدی از سود حاصل باشد، در شرایط رونق اقتصادی هر سه ضلع بهره‌مند خواهند شد و در دوران رکود اقتصادی خسارت نیز متوجه هر سه ضلع می‌باشد.

مؤسسه پولی و حضور مسئولانه دولت در اقتصاد

پیش‌تر بیان شد که حضور کمی و کیفی دولت در اقتصاد برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام و تأمین رفاه عموم مردم است. هر فعالیت اقتصادی دولت چه به نحو سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، هدایت، حمایت و نظارت و چه به صورت تصدی‌گری باید در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد؛ به عبارت دیگر مسئولیت دولت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام است؛ بنابراین حضور دولت در بخش گردش پولی در اقتصاد و مؤسسه پولی نیز با توجه به مسئولیت دولت باید صورت پذیرد. دولت در

چند جهت می‌تواند در نهاد گردش پولی حضور مسئولانه داشته باشد که در ادامه بیان می‌شود:

۱. ارائه خدمات پولی

از آنجایی که پول یک مقوله حاکمیتی است، تمام خدمات پولی باید توسط دولت اسلامی صورت گیرد تا بتواند نظارت و هدایت لازم و کافی را بر گردش آن در اقتصاد داشته باشد؛ خدماتی از قبیل چاپ اسکناس، نگهداری و نوسازی اسکناس‌های موجود، ارائه تضمینات پولی، نقل و انتقال پول و غیره. همچنین پرداخت حقوق کارکنان دولت، پرداخت بدهی‌های دولت به فعالان اقتصادی، شرکت‌ها، سایر دولت‌ها و ...

۲. اعمال سیاست‌های پولی

یکی از اختیارات حکومت در نظام اسلامی اعمال سیاست‌های هدایتی، حمایتی و نظارتی پولی در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام است. سیاست‌های هدایتگری از قبیل کنترل نقدینگی و هدایت آن به سمت بخش‌های تولیدات راهبردی؛ مانند بخش کشاورزی و عمرانی؛ همچنین هدایت پول به سمت تولیدات کالاها و خدمات بخش واقعی اقتصاد. افزون بر آن، تبلیغات و اطلاع‌رسانی لازم به عموم مردم نسبت به سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند و تشویق مردم برای همراهی با آن سیاست‌ها؛ سیاست‌های حمایتگری مانند حمایت از تولیدات داخلی و مقاومت‌سازی اقتصاد در مقابل تکانه‌های خارجی و نیز حمایت‌های مالیاتی و غیره.

۳. کمک‌های بلاعوض یا قرض الحسنه

برای رفع فقر و کمک به نیازمندان لازم است دولت از طریق مؤسسه به بخشی از افراد جامعه کمک‌های بلاعوض یا به صورت قرض الحسنه تسهیلات پرداخت کند که مؤسسات پولی در این زمینه اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

۴. وضع قوانین گردش پولی و نظارت بر اجرای آنها

دولت حق دارد با وضع قوانین پولی لازم و اجرای دقیق آنها نظارت بر اجرای سیاست‌های پولی و نقدینگی داشته باشد تا مسیر گردش پولی اقتصاد به سمت سیاست‌های تعیین‌شده دولت قرار گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق با این پرسش آغاز گردید که «روش مأموریت‌محور تأسیسی در طراحی مؤسسه پولی اسلامی چیست و نتایج آن چه می‌باشد؟» پاسخ آن این شد که برای طراحی مؤسسه پولی اسلامی باید مأموریت‌های نظام اقتصادی اسلام محور طراحی قرار گیرد. بر اساس مأموریت‌های درون‌ساختاری و برون‌ساختاری به مؤسسه پولی سه ضلعی «خدمات پولی»، «تخصصی سرمایه» و «خیرخواهانه» دست یافتیم. در این ساختار سه ضلعی خلق پول با نظارت پیشینی کنترل می‌شود و تنها ضلع خدمات پولی که یک ساختار حاکمیتی است حق دارد در موارد ضروری اقدام به خلق پول نماید. البته مردم می‌توانند با ایجاد باجه‌هایی تحت نظارت حکومت، خدمات پولی را ارائه دهند و هزینه‌های آن را دریافت کنند. همه اشخاص حقیقی و حقوقی نزد مؤسسه خدمات پولی، افتتاح حساب می‌کنند و سپرده‌گذاری خود را نزد آن انجام می‌دهند. این مؤسسه حق پرداخت وام را ندارد و تنها دو مؤسسه تخصصی سرمایه‌گذاری و خیرخواهانه می‌توانند برای متقاضی وام، مقدار وام لازم را از سپرده‌های اشخاص حقیقی و حقوقی با هماهنگی مؤسسه خدمات پولی پرداخت کنند. بدین وسیله از حساب اشخاص در مؤسسه خدمات پولی مقدار وام کسر می‌شود و حساب متقاضی وام نزد مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری و خیرخواهانه شارژ می‌شود.

فهرست منابع * قرآن کریم.

- صمصامی، حسین، داودی، پرویز (۱۳۸۹). به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل). تهران، دانایی و توانایی.
- مادرشاهی، محمد، و همکاران (۱۴۰۲). الگوی مطلوب بانکداری اسلامی (بر اساس مبانی اسلام و روش فقه نظام). قم، پگاه هفتم.
- مادرشاهی، محمد، یوسفی، احمدعلی (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی روش عدم مغایرت در اسلامی‌سازی بانک. فقه نظام، ۱(۱).
- محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۴). الگوی بانکداری اسلامی. قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰). طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۱). ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام. تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴). عدالت اقتصادی. فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، ۵(۱۷).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶ الف). روش ترکیب برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام. فصلنامه پژوهش و حوزه، ۸(۳۰-۳۱).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶ ب). نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی). تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۰). ظرفیت آموزه‌های اسلامی در تأسیس بخش‌های اقتصادی (با تأکید بر اقتصاد تعاونی). فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، ۱۱(۴۱).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). نظام اقتصاد مقاومتی الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام. قم، نگاه فارسی.
- یوسفی، احمدعلی، غفاری، مجتبی (۱۳۹۷). نقش مفاهیم ارزش‌محور در ساماندهی ساختار نظام اقتصادی، بررسی تطبیقی نظام سرمایه‌داری و اسلامی. دوفصلنامه معرفت اقتصادی، ۹(۱۷).
- یوسفی، احمدعلی، مادرشاهی، محمد (۱۳۹۷). تحلیل فقهی مبنای عدم مغایرت در تصویب قوانین اقتصادی. مجلس و راهبرد، ۲۵(۹۵).